

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

«لَعْدِيْمِ بِهِ: هُمْ مَنْ رَاهُ حَقّ»

ساختار سازمانی و توصیفی از قراردادهای

د. صنعت نفت ایران

تألیف:

دکتر محمد رضا شکوهی

با دیباچه‌ی از:

دکتر الیاس نادران

فهرست مطالب

۷	سخن ناشر
۹	دیباچه
۱۳	پیشگفتار
۱۷	فصل ۱. درآمدی بر کلیات موضوع
۱۷	۱-۱. مقدمه
۲۳	۲-۱. تعیین چارچوب موضوع
۲۴	۳-۱. پیشینه و ادبیات خاص نوشتار حاضر
۲۵	۴-۱. گذری بر فصول کتاب
۲۹	فصل ۲. جایگاه، مبانی و کاربردهای اقتصاد هزینه‌ی مبادله
۲۹	۱-۱. مقدمه
۲۹	۱-۱-۱. نهاد
۳۱	۱-۱-۲. اقتصاد نهادگرای جدید
۳۴	۲-۱. شناخت جایگاه اقتصاد هزینه‌ی مبادله
۴۲	۲-۲. تحلیل سازماندهی اقتصادی
۵۲	۴-۱. تأملی بر نظریات رقیب
۵۶	۵-۱. روند تحولات اقتصاد هزینه‌ی مبادله
۶۳	۶-۱. مرور مطالعات تجربی در اقتصاد هزینه‌ی مبادله
۷۴	۷-۱. ماهیت و مفهوم هزینه‌ی مبادله

فصل ۳. ساخت در برابر خرید: ساختار قراردادهای پیمانکاری صنعتی

۸۷.....	۱-۳. مقدمه
۹۰.....	۲-۳. قرارداد و مفاهیم وابسته
۹۶.....	۳-۳. ترتیبات قراردادی در صنعت نفت
۱۰۲.....	۴-۳. ترمینولوژی قراردادهای پیمانکاری
۱۰۳.....	۵-۳. روش‌های مختلف در مرحله‌ی ساخت
۱۰۳.....	۶-۳. مدیریت طرح یا پیمانکار مدیریت
۱۰۶.....	۷-۳. انواع قراردادهای پیمانکاری و تقسیم‌بندی آنها
۱۱۳.....	۱-۷-۳. انجام کار توسط کارفرما (روش امنی) و نقد آن
۱۱۷.....	۲-۷-۳. قرارداد کلید در دست
۱۱۹.....	۸-۳. سایر ترتیبات قراردادی پیمانکاری
۱۲۰.....	۱-۸-۳. قراردادهای EP و EPC
۱۲۳.....	۲-۸-۳. قرارداد بر اساس فهرست بها
۱۲۴.....	۳-۸-۳. قرارداد به صورت پیمان مدیریت
۱۲۴.....	۴-۸-۳. قرارداد امنی
۱۲۵.....	۵-۸-۳. انجام کار بر اساس برنامه‌ریزی پیشرفت کار (LUMP SUM)
۱۲۶.....	۶-۸-۳. قرارداد بر اساس برآورد کلی و یا قرارداد قیمت ثابت
۱۲۷.....	۹-۳. قراردادهای پیمانکاری- تأمین مالی
۱۲۹.....	۱-۹-۳. قرارداد ساخت- بهره‌برداری- واگذاری
۱۳۵.....	۲-۹-۳. قراردادهای بيع متقابل
۱۳۶.....	۱۰-۳. قراردادهای تأمین یا مشارکت مالی (قراردادهای فاینانس)
۱۳۹.....	۱۱-۳. مراحل اجرای یک طرح پیمانکاری

فصل ۴. تاریخ تحول ترتیبات قراردادی در صنعت نفت ایران

۱۴۱.....	۱-۴. مقدمه
۱۴۲.....	۲-۴. کلیات ترتیبات قراردادی در صنعت نفت
۱۴۶.....	۳-۴. دوران قدیم قبل از کشف روش‌های نوین حفاری کنونی
۱۴۷.....	۴-۴. امتیازات دوره‌ی فاجاریه
۱۴۹.....	۵-۴. دوران پس از مشروطیت
۱۵۱.....	۱-۵-۴. قرارداد یا امتیازنامه‌ی دارسی (۱۹۰۱/۱۲۸۰م)

فهرست مطالب □ ۳

۴-۵-۲. قرارداد امتیاز(۱۹۳۳/۱۳۱۲م)	۱۵۶
۴-۶. لایحه الحقی گلشائیان-گس	۱۶۰
۴-۷. ملی شدن صنعت نفت و تشکیل شرکت ملی نفت ایران	۱۶۵
۴-۸-۱. قرارداد فروش نفت و گاز معروف به قرارداد کنسرسیوم	۱۶۹
۴-۸-۲. قراردادهای سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۵۷	۱۷۷
۴-۸-۳-۱. قرارداد با شرکت نفت آجیپ میتراریا	۱۷۷
۴-۸-۲-۲. قرارداد با شرکت نفت پان آمریکن	۱۸۰
۴-۸-۳-۲. قرارداد سافایر پترولیوم	۱۸۱
۴-۸-۴. قراردادهای شش گانه‌ی اول(قراردادهای مشارکتی)	۱۸۲
۴-۸-۵. قراردادهای خدماتی سه گانه	۱۸۵
۴-۸-۶. قراردادهای مشارکتی سه گانه	۱۸۹
۴-۸-۷-۲. قرارداد جدید کنسرسیوم	۱۹۰
۴-۸-۷-۳. قراردادهای شش گانه‌ی دوم(قراردادهای خدماتی)	۱۹۳
۴-۸-۷-۴. فعالیت‌های بین‌المللی شرکت ملی نفت ایران(پیش از انقلاب)	۱۹۷
۴-۸-۵. دوران پس از وقوع انقلاب اسلامی	۱۹۸
۴-۸-۶. دوران انعقاد قراردادهای بیع‌متقابل	۲۱۰
فصل ۵. ساختار قراردادهای بیع‌متقابل در شرکت ملی نفت ایران	۲۲۱
۵-۱. مقدمه	۲۲۱
۵-۱-۱. نگاهی کلی به وضعیت عمومی صنعت نفت	۲۲۱
۵-۱-۲. کلیات وضعیت کنونی شرکت ملی نفت ایران	۲۲۳
۵-۱-۳. بررسی وضعیت سازمانی شرکت ملی نفت ایران	۲۲۷
۵-۲. زمینه‌های پیدایش قراردادهای بیع‌متقابل	۲۳۵
۵-۳. تعاریف	۲۳۸
۵-۴. کلیات و ماهیت قراردادهای بیع‌متقابل	۲۴۲
۵-۴-۱. الگوی نسل اول قراردادهای بیع‌متقابل	۲۴۴
۵-۴-۲. الگوی نسل دوم قراردادهای بیع‌متقابل	۲۶۰
۵-۴-۳. الگوی نسل سوم قراردادهای بیع‌متقابل	۲۶۳
۵-۵. تحلیل قراردادهای بیع‌متقابل	۲۷۲
۵-۵-۱. نقاط قوت قراردادهای بیع‌متقابل	۲۷۶
۵-۵-۲. نقاط ضعف قراردادهای بیع‌متقابل	۲۷۷
۵-۶. مصوبات قراردادهای بیع‌متقابل در شرکت ملی نفت ایران	۲۸۸

فصل ۶. پیشنهاد چارچوب اساسنامه‌ی بهینه برای شرکت ملی نفت ایران ۲۹۹

۳۰۰.....	۱-۶. مقدمه
۳۰۴.....	۲-۶. ویژگی‌های اساسنامه‌ی بهینه(حالت انحصاری)
۳۲۲.....	۲-۶. ذکر چند نکته‌ی کلی دیگر در ارتباط با اساسنامه‌ی بهینه
۳۲۶.....	۳-۶. ویژگی‌های اساسنامه‌ی بهینه(حالت رقابتی)
۳۲۷.....	۳-۶. تحول قوانین با رویکرد رقابتی برای صنعت نفت ایران
۳۴۲.....	۳-۶. چارچوب اساسنامه‌ی پیشنهادی در حالت رقابتی

فصل ۷. تبیین الگوی سازماندهی اجرای طرح‌های توسعه‌ای شرکت ملی نفت ایران ۳۴۷

۳۴۷.....	۱-۷. مقدمه
۳۴۸.....	۲-۷. ارائه‌ی چارچوب موضوع
۳۴۹.....	۲-۷. قرارداد با پیمانکار کل(بیع مقابل) و یا تصمیم خرید
۳۵۱.....	۲-۷. قرارداد مستقیم با پیمانکاران فرعی و یا تصمیم ساخت
۳۵۲.....	۳-۲-۷. ساختار سازماندهی، ویژگی‌های مبادلات و توابع هزینه
۳۵۲.....	۳-۷. دلالت‌های مرتبط اقتصاد هزینه‌ی مبادله
۳۵۵.....	۴-۷. مفاهیم نظری تحلیل مدل
۳۶۴.....	۵-۷. فرضیات اقتصاد هزینه‌ی مبادله
۳۷۰.....	۱-۵-۷. گروه هزینه‌های نظارت
۳۷۵.....	۲-۵-۷. گروه هزینه‌های عقد قراردادهای کامل تر
۳۷۷.....	۳-۵-۷. گروه هزینه‌های کسب اطلاعات
۳۷۹.....	۴-۵-۷. گروه کارایی در تولید
۳۸۱.....	۶-۷. معرفی متغیرهای مدل و فرضیات ذیربطری
۳۸۶.....	۱-۶-۷. متغیر بیع مقابل یا غیر آن
۳۸۷.....	۲-۶-۷. متغیر کل هزینه‌های طرح
۳۸۹.....	۳-۶-۷. متغیر ضریب هزینه‌های مبادلاتی از کل هزینه
۳۹۰.....	۴-۶-۷. متغیر کل محصول طرح معادل نفت خام
۳۹۱.....	۵-۶-۷. متغیر هزینه‌ی تولید یک بشکه معادل نفت خام
۳۹۳.....	۶-۶-۷. متغیر تعداد چاه‌های طرح
۳۹۳.....	۷-۶-۷. متغیر محصول سرانه‌ی چاه‌های طرح
۳۹۴.....	۸-۶-۷. متغیر هزینه‌ی سرانه‌ی چاه‌های طرح

فهرست مطالب □ ۵

۳۹۸.....	۶-۷. متغیر شهرت پیمانکاران.....
۴۰۲.....	۶-۷. متغیر صرفه‌های ناشی از گستره.....
۴۰۴.....	۷-۷. ساختار سازماندهی در شرکت ملی نفت ایران.....
۴۰۴.....	۷-۷. داده‌ها.....
۴۱۰.....	۷-۷. برآورد مدل ساخت یا خرید.....
۴۱۵.....	۷-۷. برآورد توابع هزینه‌های مبادلاتی سازماندهی.....
۴۱۹.....	۷-۷. تخمین هزینه‌های مبادلاتی سازماندهی.....
۴۲۴.....	۷-۷. بحث بیشتر.....
۴۳۷.....	فصل ۸ خلاصه و نتیجه‌گیری
۴۳۸.....	۸-۱. گذری بر فصول کتاب
۴۴۳.....	۸-۲. موارد احتیاطی و انتقادات.....
۴۴۷.....	فصل ۹. پیوست‌ها
۴۴۷.....	۹-۱. پیوست فصل دوم
۴۴۷.....	۹-۱-۱. ارائه‌ی برخی از تعاریف مرتبط
۴۵۰.....	۹-۲-۱. پیوست فصل سوم
۴۵۰.....	۹-۲-۲. برخی از تعاریف مرتبط
۴۵۶.....	۹-۳-۱. پیوست فصل چهارم
۴۵۶.....	۹-۳-۲. واکنش برخی از نمایندگان به انعقاد قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳
۴۵۷.....	۹-۳-۲-۱. واگذاری اختیار دو نسل به خارجی !!
۴۵۸.....	۹-۳-۲-۲. نکات قراردادهای مشارکتی سه‌گانه
۴۶۳.....	۹-۳-۲-۳. متن قرارداد یا امتیازنامه‌ی دارسی (۱۹۰۱/۱۲۸۰م ش).....
۴۶۷.....	۹-۳-۴. متن قرارداد امتیاز (۱۹۳۳/۱۳۱۲م ش).....
۴۸۳.....	۹-۴-۱. پیوست فصل ششم
۴۸۳.....	۹-۴-۲. روایت اساسنامه‌ها
۴۸۴.....	۹-۴-۳. روایت اساسنامه‌ی شرکت ملی نفت ایران
۴۹۰.....	۹-۴-۴. روایت اساسنامه‌ی شرکت ملی صنایع پتروشیمی
۴۹۱.....	۹-۴-۵. روایت اساسنامه‌ی شرکت ملی گاز ایران
۴۹۲.....	۹-۴-۶. سرگذشت قوانین نفت و بررسی مسائل آنها
۵۰۱.....	۹-۴-۷. قسمتی از مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی وقت پیرامون قانون نفت ۱۳۶۶

۶ □ ساختار سازماندهی و توصیفی از قراردادها در صنعت نفت ایران

۵۰۵.....	۱۳۳۶	۴-۴-۹
۵۱۸.....	۱۳۵۳	۴-۴-۹
۵۳۰.....	۱۳۶۶	۴-۴-۹
۵۳۴.....	۱۳۹۰	۴-۴-۹
۵۴۰.....	۱۳۹۱	۴-۴-۹
۵۴۷.....	۱۳۹۱	۴-۴-۹
۵۴۸.....	۱۳۹۱	۴-۴-۹
۵۵۴.....	۱۳۹۱	۴-۴-۹
۵۵۵.....	۱۳۹۱	۴-۴-۹
۵۵۷.....	۱۳۹۱	۴-۴-۹
۵۵۹.....	۱۳۹۱	۴-۴-۹
۵۶۱.....	۱۳۹۱	۴-۴-۹
۵۶۷.....	۱۳۹۱	۴-۴-۹
۵۷۱		منابع و مأخذ
۵۸۹		نمایه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ أَتَيْنَا دَأْوُدَ وَ سَلِيمَنَ عِلْمًا وَ قَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَّنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النحل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزریقیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد. از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای

ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیست خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

دیباچه

- منابع هیدروکربوری(نفت و گاز) از جمله‌ی نعمات بسیار خداوندی بوده که نزد بشر به ودیعه نهاده شده و لذا به مانند سایر نعمات استفاده‌ی بهینه از آنها امری ممدوح تلقی می‌گردد. از سوی دیگر منابع مذکور چند مشخصه‌ی مهم داشته که موجب می‌گردد توجه به موضوعات متنوع وابسته به این منابع اهمیت مضاعفی یابد از جمله:
- مسائل گوناگون وابسته به نفت و گاز در طول سالیان همواره از جمله‌ی موارد مهم اثرگذار در زندگی بشر و بخصوص ما ایرانیان بوده است. این اهمیت موجب گردیده تاریخ اقتصاد سیاسی معاصر ایران و برخی از کشورهای دنیا به نحو بارزی با مسائل نفت و گاز تلفیق گردیده و مسائل مطروحة به عنوان یک تنظیم‌گر اساسی در مسائل سیاسی داخلی و روابط بین‌الملل خودنمایی نماید.
 - تشکیل منابع هیدروکربوری حاصل میلیون‌ها سال فعل و انفعالات شیمیایی طبیعت بوده و لذا از منظر اقتصاد منابع طبیعی، منابع هیدروکربوری در زمرةی منابع تمام شدنی و غیر قابل تجدید طبیعت به حساب می‌آیند. توجه به چنین مسائلی ارزش این منابع را چند برابر می‌سازد.
 - انرژی را می‌توان موتور حرکت زندگی بشر مدرن به حساب آورد. در این راستا می‌توان فرآورده‌های متنوع مستخرج از منابع هیدروکربوری را از جمله‌ی مهمترین حامل‌های انرژی به حساب آورد. هنگامی که با استفاده از فناوری‌های تبدیل انرژی(نظیر تولید برق در نیروگاه‌ها از گاز طبیعی یا

سوخت‌های مایع) این حامل‌ها متنوع‌تر گردند، اهمیت هیدرورکربور نیز برجسته‌تر می‌گردد.

برخی با محدود ساختن نقش هیدرورکربور، تنها به عنوان حامل انرژی، سخن از انرژی‌های جایگزین به میان آورده و سعی در القای کم اهمیت بودن هیدرورکربور می‌نمایند. حال آنکه نگاهی به محصولات تولیدی این روزهای زندگی بشر به سادگی نشان میدهد که تقریباً تمام محصولات پیرامون ما حاصل فرآیندهایی هستند که منشاء پیدایش زنجیره‌های ارزش تولیدی آنها منابع هیدرورکربوری است. این زنجیره‌های ارزش عمدتاً از محل فعالیت‌های پتروشیمیایی پدید می‌آیند و حتی اگر منابع هیدرورکربوری به عنوان حامل انرژی اهمیت خود را از دست بدند باز هم نقش این منابع به سبب خلق زنجیره‌ی ارزش تولید محصولات مدرن امروزی بی‌بدیل بوده و حذف این منابع از زندگی بشر به معنای بازگشت به عصر پیش از صنعتی شدن می‌باشد. لذا و به اختصار، هیدرورکربور در نقش یک کل، ماده‌ای بدون جایگزین برای زندگی صنعتی و مدرن بشر امروزی است.

دست طبیعت منابع هیدرورکربوری را به یکسان بین کشورها توزیع نموده که این امر موجب تشکیل بازار دو قطبی تولیدکنندگان و مصرفکنندگان هیدرورکربور گردیده است. رخداد این مهم مسبب پیچیدگی سازوکار تجارت این ماده شده و در بسیاری از مواقع تضاد منافع تولیدکنندگان و مصرفکنندگان را در پی داشته است. از دیگر سو ارزش اقتصادی بسیار بالای تجارت هیدرورکربور سبب تشدید پیچیدگی مزبور در جنبه‌های مالی و غیر مالی گردیده است. مجموع این موارد موجب پدید آمدن سازوکار مبادله‌ای خاص موضوع، به گونه‌ای پیچیده گردیده است. از مصاديق این مطلب می‌توان به سازوکار و عملکرد بورس‌های انرژی، سامانه‌های حمل و نقل حامل‌های انرژی، نهادهای بین‌المللی انرژی و... اشاره داشت.

به لحاظ جغرافیایی تمرکز ذخایر هیدرورکربوری دنیا در منطقه‌ی خاورمیانه واقع شده که این امر موجبات تشدید اهمیت این منطقه‌ی پرمناقشه را فراهم ساخته است. در این راستا بودجه‌ی بسیاری از دولت‌های کشورهای صادرکننده‌ی هیدرورکربور به درآمدهای حاصله از منبع مذکور وابسته شده و

لذا اهمیت تداوم با ثبات این درآمدها در کشورهای نفتخیز برجسته گردیده است. به عبارت دیگر این موضوع سبب شده اقتصاد کشورهای منطقه در قبال نوسان درآمدهای مزبور آسیب‌پذیر و به مناقشات داخلی و بین‌المللی منجر گردد. به عنوان مصادیقی از موضوع می‌توان به دخالت بیگانگان در منطقه، جنگ‌ها، تحریم‌ها و... اشاره داشت. نظر به وجود چنین مسائلی تقویت ساختار داخلی کشورهای نفتخیز در وجود مختلف بسیار حائز اهمیت است. در ارتباط با اهمیت هیدروکربور و به جهت رعایت اختصار، به همین مقدار بسته کرده و بر ارائه‌ی ویژگی‌های کتاب حاضر تمکن کر می‌شویم.

در این کتاب مؤلف برای موضوعات خرد اولویت بالاتری قائل شده و اعتقاد دارد در گام‌های نخستین تحلیل، شناخت سازوکار خود صنعت نفت ایران اهمیت بیشتری دارد چرا که شناخت و تحلیل صحیح مبانی خرد می‌تواند به عنوان پیش‌نیاز سیاست‌گذاری کلان مدل نظر قرار گیرد. به جهت تبیین، تمکن مطالب بر ساختارها و قراردادها در صنعت نفت ایران معطوف گشته است. در این راستا کم و کیف قراردادها را می‌توان مصداقی از عملکرد به حساب آورد که خود این امر تابعی از ساختارهاست. در جهت ارائه‌ی تحلیل‌های ذیربسط، نگارنده برای مباحث تاریخی صنعت نفت اهمیت فراوانی قائل گردیده و اعتقاد دارد آنچه در قراردادهای سالیان اخیر رخ می‌نماید به مانند بیشتر موضوعات، بر بستر تاریخی خاص خود شکل گرفته و در این راستا کوشیده تا ارائه‌ی نسبتاً کاملی از روند تاریخی قراردادها در صنعت نفت ایران را ارائه نماید. در کنار این موضوعات و به طور توانمندی نویسنده بر بررسی ساختارها نیز بوده است. مؤلف با کنار هم نهادن قطعات مطالعه اینگونه نتیجه می‌گیرد که ساختارهای سازماندهی با توجه به ریشه‌های تاریخی نمایانگر عملکردها بوده که یکی از مصادیق مهم آن از طریق کم و کیف اجرای قراردادها بروز می‌یابد. پر واضح است که بررسی چنین موضوعاتی با توجه به نقش صنعت نفت در وجود مختلف مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... کشور ایران اهمیت بالایی دارد.

از منظر اقتصادی، به اختصار می‌توان هزینه‌ها را به دو گروه تولیدی و مبادلاتی تقسیم‌بندی نمود. در این راستا نگارنده برای تحلیل علمی موضوع به مبانی نظری ذیربسط نیز توجه داشته و سعی نموده با استفاده از نظریه‌ی "اقتصاد هزینه‌ی مبادله" تحلیل‌های مرتبط را ارائه نماید. اهمیت لحاظ نمودن هزینه‌های مبادلاتی در تحلیل‌های

اقتصادی موجب گردیده نظریه‌ی مذکور طی سالیان اخیر به عنوان یکی از نظریات برتر اقتصادی خود را به دنیای علم معرفی نماید. توجه به "تصمیم ساخت یا خرید" در انتخاب ساختار سازماندهی مناسب از جمله‌ی موارد مهم نظریه‌ی "اقتصاد هزینه‌ی مبادله" است که نگارنده سعی نموده مسئله‌ی بسیار مهم "اقتصاد پیمانکاری" را ذیل موضوع "تصمیم ساخت یا خرید" به اجمال معرفی کرده و خواننده را نیز به تحقیق بیشتر پیرامون این موضوع مهم تشویق نماید.

در پایان خاطر نشان می‌سازد که کتاب حاضر حاصل رساله‌ی دکترا در رشته‌ی علوم اقتصادی نگارنده در دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تهران به راهنمایی اینجانب بوده که نظر به رعایت مقتضیات انتشار به عنوان یک کتاب برای عموم، تعدیلاتی در متن آن لحاظ گردیده است. امید که این کتاب بتواند در جهت بهبود مسائل و مشکلات، پژوهش بوده و دستاوردهای مفیدی را برای کارشناسان و جامعه علمی به همراه داشته باشد.

دکتر الیاس نادران

دانشیار دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تهران

پیشگفتار

استفاده‌ی بهینه از نعمات خداوندی یکی از وظایفی است که بر عهده‌ی تک تک انسان‌ها نهاده شده است. در این راستا منابع هیدروکربوری(نفت و گاز) به عنوان یکی از مصادیق مهم نعمات خداوند بزرگ، موتور حرکت زندگی امروزی بشر مدرن به حساب می‌آیند. اگرچه این منابع تمام شدنی انژرژی حاصل فرآیندی میلیون‌ها ساله هستند اما بشر امروزی بعضاً با سرعتی بالا و نامتعارف در حال تخلیه و استفاده از آنهاست لذا لازم است در جهت بهره‌برداری بهینه از منابع هیدروکربوری دقت نظر لازم صورت پذیرد چرا که هیدروکربور را می‌توان به عنوان یک کُل کالایی بدون جانشین به حساب آورد.

لازم به ذکر است که توزیع منابع هیدروکربوری در کشورهای دنیا یکنواخت نیست و برخی از کشورها بنا به مشخصات جغرافیایی خاص خود سهم متفاوتی از این منابع در اختیار دارند. در این ارتباط کشور ایران یکی از کشورهای اول دنیا به لحاظ برخورداری از منابع هیدروکربوری است و لذا بهره‌برداری بهینه از این منابع با ارزش کشور یکی از وظایف اصلی دولت و ملت به حساب می‌آید امری که بیش از هر چیز نیازمند ارتقای دانش و آگاهی است. متأسفانه توجه کافی به مسائل بومی صنعت نفت کشور آنطور که باید و شاید در مطالعات به چشم نمی‌آید که این نقیصه علل مختلفی دارد. یکی از علل اصلی را می‌توان گستاخی دانشگاه و صنعت در توجه به مسائل صنعت نفت کشور به ویژه در مطالعات علوم انسانی و خصوصاً در حوزه‌ی علوم اقتصادی قلمداد نمود. پوشش گستاخی مذکور به جهت ویژگی‌های نهادی ذیربسط امر سهله‌ی نیست و توجه به رفع آن بایستی بیش از پیش مد نظر مسئولین قرار گیرد. به هر تقدیر در کتاب حاضر سعی شده تا این ضعف در حد وسیع یک تحقیق تا حد امکان

مرتفع گردد. لذا در این نوشتار به دنبال بررسی وضعیت ساختارهای سازماندهی و قراردادها در صنعت نفت ایران عمدتاً با استفاده از نظریه‌ی اقتصاد هزینه‌ی مبادله هستیم. رویکرد تحقیق حاضر بر بررسی امور بالادستی صنعت نفت مرکز است لذا عمدی مباحث به ویژگی‌های بالادستی صنعت نفت که متولی آن شرکت ملی نفت ایران است، محدود خواهد بود. امید دارم که مطالب عرضه شده بتواند گوشه‌ای از مشکلات جامعه را برطرف نماید. لازم به ذکر است که ماهیت مباحث صنعت نفت بسیار گسترده‌اند. لذا در این کتاب نیز سعی شده مطالب به‌گونه‌ای تنظیم شوند تا امکان مطالعه فصول به‌طور مستقل نیز فراهم شود.

کتاب حاضر با اعمال تعدیلاتی حاصل رساله‌ی دکترای نگارنده در دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تهران به حساب می‌آید.^۱ نگارش مطالب بدون نظر لطف برخی عزیزان به خوبی مقدور نبود. به رسم ادب تشکر از ایشان را وظیفه خود می‌دانم. آقای دکتر الیاس نادران به عنوان استاد راهنمای نقشی کلیدی در تکمیل مدارج تحصیلی و رساله‌ام بر عهده داشته‌اند. آقایان دکتر حعفر عبادی، دکتر فرهاد رهبر و دکتر محمدرضا مقدم نیز در کسوت اساتید مشاور نقش آفرین بوده‌اند. حمایت‌های بی‌دریغ این اساتید گرامی نقشی کلیدی در تکمیل مطالب داشته است، لذا ایشان را عمیقاً سپاس‌گزارم. همچنین به جهت سازماندهی بهتر پژوهش برخود دیدم تا از نظرات اساتید دیگر نیز استفاده نمایم. در این راستا بیشترین و مفیدترین تماس‌ها با پروفسور اسکات مستان^۲ چهره‌ی سرشناس اقتصاد هزینه‌ی مبادله و استاد معروف دانشگاه میشیگان بوده و لذا ایشان به نوعی استاد مشاور خارجی رساله محسوب شده و دیباچه‌ای نیز بر رساله نگاشته‌اند. پس از ایشان افراد دیگری نیز در تدوین تحقیق نقش داشته‌اند که نام برخی از آنها عبارتند از: علی نصیری اقدم، فیروزه خلعت‌بری، اولیور ویلیامسون، گری لیبک، کارتر هیل، ویلیام گریفیث، ویلیام اچ گرین، جفری ولدریج، پراوین تریودی، لی آدکنیز، پیتر کلاین، کریستوفر جبلونوفسکی، جفری ماچر، باراک ریچمن، کریستین ولف و... . علاوه بر این تعداد دیگری از افراد به خصوص از میان نیروهای صنعت نفت ایران نیز نگارنده را بسیار کمک نمودند که به سبب کثرت، امكان نام بردن از آنان مقدور نیست

۱. تبدیل رساله به کتاب مستلزم برخی از تعدیلات و حذف مواردی است که شاید ارائه‌ی آنها تنها در فضای آکادمیک جذاب باشد. به هر حال تفصیل موارد محفوظ و تعدیلات را می‌توانید در شکوهی (۱۳۹۱) ببینید. همچنین در پاره‌ای از موارد برخی مطالب در این کتاب آمده که ممکن است در رساله موجود نباشند.

2. Scott Masten

اما در اینجا از تمام اشخاص داخلی و خارجی که با بزرگواری اینجانب را مورد راهنمایی قرار دادند سپاس‌گزاری عمیق می‌نمایم و از خداوند برایشان اجر جزیل آرزومندم. دست‌اندرکاران کتابخانه‌های دانشگاه تهران، شرکت ملی نفت ایران و کانون اسلامی انصار تسلیلاتی برایم مهیا نمودند، که بدینوسیله از ایشان قدردانی می‌شود. از خانواده‌ام که در طی سالیان مشوق و همراهم بوده‌اند نیز عمیقاً سپاس‌گزارم. همچنین آقای دکتر محمد نعمتی معاون محترم پژوهشی دانشکده‌ی معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام زمینه‌سازی چاپ این اثر را پدید آورده‌اند. آقای دکتر محمد جواد شریف‌زاده زحمت داوری کتاب را متقبل شده و با ارائه‌ی نقطه نظرات مفید، عمیق و سازنده‌ی خویش سهمی به سزا در ارتقای محتواهای علمی کتاب بر عهده داشته‌اند. آقایان سید روح‌الله رضوی و محمد‌مهدی سلیمانی‌پور نیز با اعلام نظرات مفید خود بر غنای کتاب افزوده‌اند. این بزرگواران را بسیار سپاس‌گزارم.

هدف نگارنده از نگارش این کتاب، ارائه‌ی یک مطالعه‌ی جامع و چند منظوره بوده است. همچنین فارغ از آنچه که اینجانب انجام داده‌ام، تشویق سایر دانشجویان و پژوهشگران به بررسی بیشتر خود هسته‌ی اصلی و واقعی مسائل صنعت نفت کشور از اهداف اصلی نگارنده بوده که در خلال مطالب کتاب و به خصوص در مبحث مطالعات بیشتر در حوزه‌ی اقتصاد انرژی مقداری پیرامون آن توضیح داده‌ام. در تکمیل تحقیق، اشخاص مختلف اینجانب را کمک نموده‌اند که از همه‌ی آنها سپاس‌گزارم اما کاستی‌های این نوشتار تنها بر ذمہ‌ی نگارنده است. البته امید که محققین و خوانندگان عزیز این جانب را از لطف خود محروم نسازند و با راهنمایی‌های سازنده‌ی خویش زمینه‌ی تکمیل مطالب را در آینده مهیا نمایند. در نهایت از آنچا که تکمیل مدارج تحصیلی، نگارش این کتاب و به‌طور خلاصه هر آنچه که دارم، همگی نعماتی بوده و هستند که خداوند از فضل بی‌نهایت خویش به این حقیر ارزانی داشته، لذا امید که نوشتار حاضر سهمی در استفاده‌ی بهتر از منابع هیدروکربوری، این نعمات بزرگ خداوندی داشته باشد.

و من الله التوفيق

محمد رضا شکوهی

Shokouhi72@gmail.com



درآمدی بر کلیات موضوع

۱-۱. مقدمه

خداآند بشر را موجودی پویا خلق کرده است. لازمه‌ی پویایی نیز استفاده از انرژی برای حرکت است. لذا از ابتدای خلقت، بشر به طرق گوناگون از نعمت انرژی استفاده به عمل می‌آورده است. سابقه کاربرد نفت و گاز به عنوان مصادیق اصلی حامل‌های انرژی نیز قدمتی به اندازه‌ی تاریخ دارد و از آن به انحصار مختلف استفاده به عمل می‌آمده است. به هر حال پس از انقلاب صنعتی استفاده از حامل‌های انرژی به تدریج دچار تحولات اساسی شد. در این راستا هیدروکربور^۱ به عنوان یکی از مهمترین مصادیق حامل انرژی پس از حفر اولین چاه نفت در سال ۱۸۵۹ توسط کلتل دریک در آمریکا به طور جدی به دنیا معرفی شد. پس از این واقعه بود که سرعت استفاده از هیدروکربور به سرعت گسترش یافت و استفاده از آن به فراتر از مرزهای انرژی گسترش یافت به نحوی که با گسترش فعالیت‌های پتروشیمیایی، هیدروکربور به عنوان مواد اولیه بیش‌تر کالاهای دنیا مطرح گردید. با توجه به این تحولات امروزه حذف هیدروکربور از زندگی بشر به معنای بازگشت به زندگی انسان پیش از صنعتی شدن

۱. هیدروکربن و یا هیدروکربور (Hydrocarbon): ترکیب شیمیایی عناصر هیدروژن و کربن که بسیار متنوع می‌باشد (توفیقی ۱۳۷۰) ص ۱۴۸). نام هیدروکربور را می‌توان برای نام‌گذاری عام موادی که در عرف معمولاً نفت، گاز، میانات گازی، مایعات گازی و... نامیده می‌شوند، بکار برد. استفاده از نام هیدروکربور ابهامات را از بین می‌برد و بنابراین بهتر است در قوانین و مقررات و همچنین گفتارها و نوشته‌های نیز از همین نام استفاده گردد. در این کتاب برای اشاره به موضوع، از همین نام عام استفاده می‌کنیم مگر اینکه خلاف آن تصویر گردد.

است و این امر خود اهمیت این نعمت خدادادی را به خوبی آشکار می‌کند، نعمتی که پاسداشت آن بسیار لازم و ضروری است.

کشور ایران با برخورداری از منابع کثیر هیدروکربوری یکی از کشورهای بسیار غنی دنیا در این زمینه است. در طی تاریخ معاصر این برخورداری برای کشور هم موجب نعمت بوده و هم نقمت. نعمت بدین جهت که ماده‌ی غنی هیدروکربور مزیت‌های زیادی برای کشور در زمینه‌های افزایش درآمد، بهبود رفاه، ارتقای صنایع و دیگر موارد داشته است. نقمت نیز از این حیث که از یک طرف کشور ما را در کانون توجهات مشکل‌زای قدرت‌ها قرار داده و از طرف دیگر با اخذ درآمدهای سهل‌الوصول فروش هیدروکربور توسط دولت و ملت از تشکیل ساختارهای مولد جامعه و به تبع آن توسعه جلوگیری به عمل آورده است.^۱ به هر حال آنچه که در این میان شایان توجه است این است که جامعه ایران بایستی ساختارهایی را مهیا نماید تا از نعمت خدادادی و بسیار ارزشمند هیدروکربور به نحو بهینه استفاده به عمل آید. پیش نیاز چنین امر مهمی چیزی نیست جز ارتقای آگاهی و دانش پیرامون موضوع.

در این ارتباط دانش پیرامون هیدروکربور را می‌توان به دو دسته‌ی کلی فنی و غیرفنی تقسیم‌بندی نمود. علیرغم آنچه که در بادی امر به نظر می‌آید پوشش و ارتقای مباحث غیرفنی به مراتب مشکل‌تر است. به عبارت دیگر پیشرفت در امور فنی با سهولت بیشتری به دست می‌آید به خصوص اگر امور غیرفنی زمینه‌های لازم را برای رشد و ارتقای زمینه‌های فنی پدید آورند آنگاه رشد امور فنی با سرعت بیشتری به وقوع خواهد بیوست. متأسفانه رشد آگاهی و دانش در حوزه‌ی علوم غیرفنی مسائل مرتبط با امور منابع هیدروکربوری، طی تاریخ معاصر مطلوب نبوده است. یکی از علل این پدیده نامیمون شکاف عمیق بین دانشگاه و صنعت بوده است. رخداد این شکاف

۱. اخذ درآمدهای سهل‌الوصول می‌تواند به عوارضی همچون بیماری هلنی، پدیده نفرین منابع، دولت راتیر و ... منجر شود که این موارد در ادبیات اقتصادی خاص خود مورد بررسی قرار می‌گیرند. البته لازم به ذکر است که درآمدهای سهل‌الوصول همیشه مانع توسعه نیستند و در صورت استفاده صحیح در شکل سرمایه‌گذاری(نه منع درآمد) می‌توانند یک امتیاز بزرگ برای توسعه نیز باشند(نظیر کشور نروژ). همچنین تنها عامل عدم توسعه یافتنگی نیز نیستند. برای مثال نمی‌توان ادعا کرد که در صورت عدم برخورداری ایران از درآمد نفت آنگاه حتماً ایران کشوری پیشرفتنه می‌بود. توسعه به مجموعه‌ای از شاخص‌ها نیاز دارد که بحث پیرامون آن از حوصله نوشتار حاضر خارج است. منظور ما در اینجا تنها این است که درآمدهای سهل‌الوصول می‌توانند تبلی و انتجویی به بار آورده و در صورت غفلت، موجب عدم شکل‌گیری ساختارهای مولد جامعه در شکل بهینه شوند.

عمل متعددی داشته که یکی از عمل آن را می‌توان نقصان اطلاعات دانشگاهیان از فرآیندهای واقعی صنعت نفت کشور دانست. برای پوشش این نقیصه چاره‌ای جز افزایش تعامل دانشگاه و صنعت و ارتقای فرآیندهای ذیربیط موجود نیست. در کتاب حاضر برآئیم تا به حد وُسُع برای پوشش نقص مذکور تلاش نماییم. برای این منظور با استفاده از یک بنیان تئوریک به نام اقتصاد هزینه‌ی مبادله مسائل شرکت ملی نفت ایران را تحلیل و مباحثی را پیرامون تاریخ قراردادهای صنعت نفت و برخی مسائل مرتبط بیان خواهیم نمود.

نظريه‌ی اقتصاد هزینه‌ی مبادله یکی از تئوری‌های نوین اقتصادي است که اخیراً در ادبیات اقتصادي جای خاصی برای خود باز نموده است. اولیور ویلیامسون و خانم الینور اوستروم^۱ به طور مشترک در سال ۲۰۰۹ برنده‌ی جایزه‌ی نوبل اقتصاد شده‌اند که در این بین اولیور ویلیامسون چهره‌ی مشهور و تأثیرگذار اقتصاد هزینه‌ی مبادله است. این امر موجب گردید که توجه به تئوری اقتصاد هزینه‌ی مبادله بیش از پیش افزایش یابد. به طور خلاصه هزینه‌های مبادله را می‌توان هزینه‌های مربوط به انجام مبادله تلقی نمود.^۲ تئوری اقتصاد هزینه‌ی مبادله بر اهمیت هزینه‌های مبادلاتی در انجام تحلیل‌های اقتصادي انگشت گذاشته و سطح هزینه‌های مبادلاتی را عاملی مهم و اثرگذار در تحلیل‌های اقتصادي در زمینه‌هایی همچون شکل‌گیری نهادها، سازمان‌ها، ساختارهای سازماندهی (ساخت یا خرید) و ... می‌داند. اقتصاد نئوکلاسیک در کتب متداول اقتصاد خرد میزان هزینه‌های مبادلاتی را معادل صفر فرض می‌کند که این مسئله موجب می‌شود تحلیل‌های متداول اقتصاد بیش از حد سطحی باشند چرا که هزینه‌ی مربوط به مبادله عنصری است که حتی افراد عادی هم تقریباً همه روزه با آن درگیرند و لذا نادیده انگاشتن آن درست نیست. رویکرد اقتصاد هزینه‌ی مبادله بیشتر بر مسائل سازمان‌ها متمرکز می‌شود و لذا با ابزارهای آن می‌توان سازمان صنعت نفت ایران و یا شرکت ملی نفت ایران را نیز مورد بررسی قرار داد هر چند که انطباق تئوری‌های آن بر مسائل شرکت ملی مشکلات خاص خود را خواهد داشت. نکته‌ی مهم در رویکرد اقتصاد هزینه‌ی مبادله شناخت "ماهیت مبادله" است. این مسئله نیازمند این است که بسته به محیط مبادله، شناخت ماهیت مبادله ذیربیط در دستور کار قرار گیرد.

1. Oliver Williamson and Elinor Ostrom

2. در فصل دوم پیرامون مفهوم هزینه‌ی مبادله مطالب مبسوطی ارائه شده است.

به هر حال اهداف نوشتار حاضر چند منظوره بوده که مهمترین آن این است که با حفظ بی طرفی نسبت به موضوع و نظریه، تحلیل کند که آیا نظریه‌ی اقتصاد هزینه‌ی مبادله می‌تواند رفتار شرکت ملی نفت ایران را در ارتباط با انتخاب ترتیبات قراردادی ذیربط توجیه کند یا خیر؟ در راستای نیل به هدف مذکور بررسی مسائلی همچون نحوه‌ی ساختار سازماندهی (ساخت یا خرید) توسعه و بهره‌برداری از منابع هیدروکربوری کشور باشیست مدنظر قرار گیرند. از آنجا که حوزه‌ی فعالیت‌های شرکت ملی نفت ایران امور بالادستی^۱ تعریف شده^۲ لذا این سؤال که این امور چگونه در شرکت ملی نفت ایران به انجام می‌رسند، سازمان و مدیریت شرکت ملی نفت ایران تا چه حد کاراست و یا شرکت ملی نفت ایران برای انجام فعالیت‌های خود چه رهیافت‌های قراردادی را در پیش می‌گیرد از موضوعات جذاب جهت پژوهش است. برای انجام این مهم لازم است تحقیق پیرامون ترتیبات و یا توافقات قراردادی در شرکت ملی نفت ایران را در دستور کار قرار دهیم. پیش از هر چیز لازم است بیان گردد که ترتیبات قراردادی، توافقات قراردادی و قرارداد،^۳ هر سه مفهومی معادل دارند و یک معنا را متبادر می‌سازند که معمولاً^۴ به فراخور بحث در متون مربوطه از یکی از آنها استفاده می‌شود. برای این منظور اقتصاد هزینه‌ی مبادله به عنوان نقطه‌ی معیار تحلیل، پرسش ساده و اما مهم "تصمیم ساخت یا خرید"^۵ را بر می‌گزیند. بنابراین بررسی تصمیم ساخت یا خرید (ساختار سازماندهی) و یا به عبارتی دیگر تبیین مرزهای عمودی شرکت ملی نفت ایران از منظر اقتصاد هزینه‌ی مبادله با توجه به حدود و چارچوب پژوهش، از محورهای اصلی بررسی در این نوشتار است. مسائلی که این پژوهش بدانها می‌پردازد را می‌توان در سه سطح طبقه‌بندی نمود:

اول: ترتیبات قراردادی در ارتباط با فعالیت‌های شرکت ملی نفت ایران چگونه قابل تبیین هستند؟

دوم: تبیین مرزهای عمودی شرکت ملی نفت ایران (مسئله‌ی ساخت یا خرید) از دیدگاه اقتصاد هزینه‌ی مبادله چگونه قابل تحلیل است؟

1. Upstream

۲. در زنجیره‌ی ارزش استفاده از منابع هیدروکربوری، امور مرتبط با اکشاف و تولید را فعالیت‌های بالادستی و فعالیت‌های متعاقب نظیر امور پالایشی و پتروشیمیابی را فعالیت‌های پایین‌دستی می‌نامند.

3. Contractual Arrangements, Contractual Agreements and Contract

4. Make or Buy Decision

سوم: ساختار سازماندهی بهینه برای فعالیت‌های صنعت نفت کشور چگونه خواهد بود؟

پاسخ به سؤال اول بدون ارائهٔ فرضیات خاص و به صورت بررسی مسئله از زوایای گوناگون، بیشتر در پنج فصل نخست (که به نوعی پیش‌نیاز فصل هفتم هستند) صورت گرفته و جواب سؤال دوم با ارائهٔ فرضیات اقتصاد هزینه‌ی مبادله عمده‌تاً در فصل هفتم تبلور یافته است. پاسخ به سؤال سوم نیز در حین تحلیل مطالب، حسب ضرورت ارائه می‌گردد. البته در جواب به این سؤالات به مانند پاسخ به هر سؤال دیگری لازم است دامنه‌ی بحث مشخص شود تا تحلیل‌های بهتری نیز قابل ارائه باشد لذا ارائهٔ شناخت کلی از دامنه‌ی فعالیت‌های شرکت ملی نفت ایران جهت تعیین حدود مطالعه لازم می‌نماید. همانطور که پیش از این نیز آمد حوزه‌ی فعالیت شرکت ملی نفت ایران امور بالادستی است اما به عنوان نهاد مادر صنعت نفت پاره‌ای از فعالیت‌های دیگر را نیز به انجام می‌رساند. برای مثال امور سازمان بهداشت و درمان، بهینه‌سازی مصرف سوخت و... گرچه مستقیماً ارتباطی با امور بالادستی ندارند، اما توسط شرکت ملی نفت ایران پشتیبانی و یا مدیریت می‌گردند. با توجه به این مطالب لازم است تا دامنه‌ی بحث به طور صریح‌تری مشخص گردد: در این نوشتار مظور از فعالیت‌های شرکت ملی نفت ایران یا همان واحد تحلیل از دیدگاه اقتصاد هزینه‌ی مبادله،^۱ عمده‌تاً توسعه‌ی میدان نفت و گاز در بخش بالادستی است مگر اینکه بسته به نیاز خلاف آن تصريح گردد.^۲ از طرف دیگر به عنوان یک قاعده‌ی کلی می‌دانیم که فعالیت‌ها را می‌توان با روش‌های متفاوت به سرانجام رساند. در ارتباط با فعالیت‌های شرکت ملی نفت ایران نیز این قاعده حکم‌فرماست و شرکت مذکور برای انجام طرح‌ها و پروژه‌های خود به شیوه‌های مختلفی قرارداد منعقد می‌نماید. لذا برای بررسی مسائل تحقیق برآئیم تا دلایل بروز رفتارهای مربوط به شیوه‌های مختلف انجام فعالیت‌های

۱. لازم به ذکر است که واحد تحلیل در اقتصاد هزینه‌ی مبادله بر خلاف دیدگاه نوکلاسیک، مبادله است. بنابراین در این تحقیق نیز می‌توان واحد تحلیل را طرح‌های توسعه‌ای میدان هیدروکربوری در شرکت ملی نفت ایران در نظر گرفت.

۲. مراد از توسعه‌ی میدان نفت و گاز مجموعه عملیات‌هایی است که منجر به تولید یا افزایش تولید از یک میدان هیدروکربوری می‌شوند. مظور از بالادستی نیز مجموعه عملیات اکتشاف و تولید هیدروکربور است. در مقابل بخش پایین‌دستی به معنای مجموعه عملیات پالایشی و پتروشیمیایی است.

بالادستی و همچنین نقاط قوت و ضعف ذیربط را در چارچوب تصمیم ساخت یا خرید(ساختار سازماندهی) به همراه تحلیل سایر موارد مورد بحث و بررسی قرار دهیم. در این تحقیق خرید را معادل قراردادهای "بیع-متقابل" و ساخت را معادل قراردادهای "غیربیع-متقابل" گرفته‌ایم. البته در این تحقیق خرید یا ساخت بیشتر مترادف با یک سری روابط در هم تنیده قراردادی هستند که تحت دو رویکرد قراردادی بیع-متقابل و غیر آن در شرکت ملی نفت ایران به انجام می‌رسند. لذا منظور از ساخت یا خرید در ترتیبات قراردادی شرکت ملی نفت ایران دقیقاً به مانند ساخت یا خرید یک کالای ساده نیست. به عبارت دیگر تحت گریهی ساخت نیز بروز سپاری‌های متعددی نیز در زیر مجموعه‌ها به انجام می‌رسند. پس در این تحقیق، منظور از ساخت یا خرید، مفاهیم مطلق آنها نیست، بلکه هر یک از این دو در بردارنده مفاهیم قراردادی هستند که شرح آن در جای خود خواهد آمد.

پس تاکنون مشخص شده که مرکز اصلی این کتاب به نوعی تحلیل مسائل خود جعبه سیاه شرکت ملی نفت ایران از درون است، امری که کمتر بدان توجه شده است. لذا امید می‌رود که با تکیه بر تئوری‌ها و واقعیت‌ها بتوانیم تحلیل درستی از وضعیت خود صنعت نفت کشور و ماهیت ترتیبات قراردادی آن ارائه نمائیم. اینکه بر تحلیل مسائل خود شرکت ملی نفت ایران تأکید می‌کنم دلیل ویژه‌ای دارد و آن اینکه اگرچه بیش از بیست سال از عمر رشتہ‌ی اقتصاد انرژی در دانشگاه‌های کشور می‌گذرد اما این رشتہ که برای تحلیل خود مسائل صنعت نفت پا گرفته کمتر به تحقیقات مستقیم مرتبط با صنعت نفت می‌پردازد و بیشتر بر مسائلی مرکز می‌شود که برای کشور اولویت پایین‌تری دارند و یا اینکه مستقیماً مرتبط با اقتصاد انرژی نیستند.^۱ البته در پیوست فصل ششم نوشتاری در خصوص مطالعات بیشتر در حوزه‌ی اقتصاد انرژی آورده شده

۱. برای مثال بررسی موضوعاتی همچون بازارهای انرژی اروپا و آمریکا، مشکلات سایر کشورها در ارتباط با انرژی، مطالعه وضعیت سایر حامل‌های انرژی‌ها و... جزو اولویت‌های اول اقتصاد انرژی ایران نیستند. همچنین برخی تصور می‌کنند که اگر لغت انرژی را به مفاهیم اقتصادی اضافه کنند آنگاه وارد حوزه‌ی اقتصاد انرژی شده‌اند. برای مثال بررسی مسائلی همچون رابطه‌ی رشد قیمت نفت(انرژی) با رشد اقتصادی، چگونگی استفاده از درآمدهای نفتی، عارضه بیماری هلندی(Dutch Disease)، پدیده نفرین منابع(Resources Curse) و... اگرچه خوب هستند اما با توجه به ویژگی‌های نهادی ایران نمی‌توان آنان را مستقیماً جزو اقتصاد انرژی به حساب آورد و بیشتر به حوزه‌هایی همچون اقتصاد عمومی و کلان مربوط می‌شوند. البته در مواردی که تحقیقات مرتبط با صنعت نفت نیز وجود داشته، آن مطالعات کمتر اعتبار لازم را داشته‌اند.

است. در این قسمت لیستی از مواردی که می‌تواند تحقیقات مرتبط با اقتصاد انرژی تلقی شوند آورده شده است.

۱-۲. تعیین چارچوب موضوع

در ارتباط با موضوع ترتیبات قراردادی، تصمیم ساخت یا خرید به عنوان محور بحث انتخاب شده است. چگونگی عملیاتی کردن این مفهوم در ارتباط با فعالیت‌های شرکت ملی نفت ایران تا حدودی مشکل است. مشکلات تحقیق پیرامون شرکت ملی نفت ایران نبود و یا نقصان اطلاعات، هزینه‌بر بودن تحقیق، ضعف یا نبود ادبیات موضوع و ... است. علاوه بر این، انطباق دشوار تئوری‌های اقتصادی که معمولاً خاص اقتصاد کارآمد بخش خصوصی هستند بر مسائل شرکت ملی نفت ایران نیز از جمله‌ی مشکلات است. از طرف دیگر بررسی رفتار شرکت ملی نفت ایران خود یک مورد مشکل برای بررسی است. یکی از علل این مسأله از آنجا ناشی می‌شود که شرکت مذکور یک ایزار رانت جویی در دست عوامل متعدد دولتی و غیر دولتی به حساب می‌آید لذا بررسی رفتار شرکت ملی نفت ایران از دید مكتب انتخاب عمومی نیز می‌تواند یک موضوع بسیار جذاب برای بررسی باشد. به‌طور خلاصه می‌توان بیان داشت که شرکت ملی نفت ایران حداقل طی سالیان گذشته، یک رفتار متقارن و منطقی حداکثرساز منافع ملی، منطبق بر اصول اقتصادی را چندان دنبال نکرده و بیشتر بدنبال هدف غلط حداکثرسازی تولید بوده است که البته به دلیل سازماندهی ناکارآمد به همان هم به طرز صحیحی نائل نشده است.

به هر حال در ارتباط با نحوه انجام امور در شرکت ملی نفت ایران به اختصار می‌توان بیان داشت که امور به دو شیوه کلی ساخت یا خرید به انجام می‌رسند. در این تقسیم‌بندی کلی و در ارتباط با توسعه‌ی میادین نفت و گاز، خرید را می‌توان معادل قرارداد با پیمانکار کل یا همان قراردادهای بیع‌مقابل یا به نوعی برونسپاری امور تلقی نمود. ساخت را نیز می‌توان معادل قراردادهای شرکت ملی نفت ایران با پیمانکاران فرعی یا همان قراردادهای غیر بیع‌مقابل برای توسعه‌ی میادین در نظر گرفت. لذا تحلیل این موضوع که چه عواملی از منظر اقتصاد هزینه‌ی مبادله بر ساخت یا خرید در شرکت ملی نفت ایران مؤثرند از موارد مهم در این نوشتار است. این مختصراً از چارچوب کار بود که البته در جای خود به‌طور مفصل بدان خواهیم پرداخت.

۱-۳. پیشینه و ادبیات خاص نوشتار حاضر

ادبیات اقتصاد هزینه‌ی مبادله تاکنون پیشرفت‌های شگرفی در تبیین مسائل مختلف داشته و نظریات قدرتمندی نیز ارائه نموده است، اگرچه در مواردی نیز مورد انتقاد قرار گرفته که به جهت آشنایی قسمتی از این ادبیات در فصل دوم ارائه شده است. در ارتباط با دامنه‌ی موضوعات قابل بررسی، ادعای اقتصاد هزینه‌ی مبادله به‌طور خلاصه چنین است: «هر مساله‌ای را که بتوان مستقیم یا غیر مستقیم در چارچوب مساله‌ای قراردادی مطرح نمود را می‌توان با ابزار اقتصاد هزینه‌ی مبادله مورد بررسی قرار داد» در این راستا اگرچه طی سالیان اخیر ادبیات متنوع ذیربطر توسط محققین مختلف ارائه گردیده اما در ارتباط با موضوع بررسی رفتار شرکت‌های ملی نفت و حتی شرکت‌های ملی از منظر اقتصاد هزینه‌ی مبادله، نگارنده تحقیق خاصی را نیافت. این موضوع چندین علت داشت: اول عدم تمایل بسیار شدید شرکت‌های نفتی دنیا نسبت به آشکارسازی اطلاعات درونی است به گونه‌ای که عملکرد این قبیل شرکت‌ها به مانند سازمان‌های اطلاعاتی است. دوم اینکه مسائل شرکت‌های ملی عمده‌ای خاص جهان سوم است و بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که تحقیقات کشورهای صنعتی بر روی این قبیل مسائل متمرکز شده باشد. علت سوم جوان بودن خود تحقیقات اقتصاد هزینه‌ی مبادله است. علت چهارم دشوار بودن تحقیقات کاربردی اقتصاد هزینه‌ی مبادله است. فراتر از این حتی مطالعه‌ای که کلیت سازمانی مسائل شرکت‌های معظم نفتی را از دید اقتصاد هزینه‌ی مبادله بررسی نموده باشد نیز یافت نشد. بنابراین می‌توان ادعا نمود که تحقیق حاضر در چارچوب مذکور در نوع خود بدیع است.

در این راستا از جمله مشکلات دیگر بر سر راه تحقیق این است که عمده‌ی مطالعات صورت گرفته در ادبیات ذیربطر بر اقتصاد بخش خصوصی متمرکز بوده‌اند. بنابراین این مطالعات عمده‌ای تبیین اقتصاد رقابتی را مد نظر داشته‌اند حال آنکه قواعد فعالیت برای انحصارگر خالصی همچون شرکت ملی نفت ایران که متکی بر حمایت‌های دولتی و همچنین مواجه با دخالت‌های بسیجای دولتی هم هست تفاوت‌های زیادی با قواعد فعالیت یک بنگاه خصوصی دارد. این مسأله موجب می‌گردد تحلیل باز هم مشکل‌تر گردد و به راحتی نتوان مطالعات صورت گرفته را بر مسائل شرکت ملی نفت ایران منطبق نمود و بنابراین ناگزیریم تا حسب مورد با نوآوری، بومی‌سازی‌هایی را اعمال و تعديلات لازم را به انجام برسانیم. البته صحبت از

مشکلات از اهمیت تبیین و بررسی مسائل مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شرکت کشور نمی‌کاهد چرا که به هر حال ما نیاز داریم تا مسائل مورد نیاز خود را تحلیل نمائیم چه این مسائل در دنیا بررسی شده باشد و چه نشده باشد و چه تحلیل مشکل باشد و چه نباشد.

به هر تقدیر از آنجا که برای ادبیات موضوع مرتبط با تحلیل حاضر، مورد مشابه‌ای در دنیا یافت نشد لذا این وضعیت نگارنده را ناگزیر ساخت تا به سراغ برخی از مطالعات مشابه برود تا به هر حال مبنای نزدیکی برای تحلیل مناسب مطلب یافته شود و سایر مطالب و تعدلات لازم نیز توسط محقق به پژوهش افزوده گردد. در ابتدا مقاله مستن(۱۹۸۴) به عنوان نقطه‌ی شروع بحث مورد نظر قرار گرفت. در این مقاله فراهم‌آوری قطعات در صنعت هوافضا از منظر اقتصاد هزینه‌ی مبادله مورد بحث قرار گرفته است. سپس برخی از آثار ویلیامسون نظیر ویلیامسون(۱۹۸۵) و(۱۹۷۹) بررسی گردید و در ادامه مقاله‌ی مستن، میهان و سنیدر(۱۹۹۱)^۱ به عنوان یکی از منابع انتخاب گردید. این مقاله تحلیل تصمیم ساخت یا خرید و مقایسه‌ی هزینه‌ی سازماندهی درونی و برونی را در ارتباط با صنعت کشتی‌سازی مورد بحث قرار داده است. پس از نوآوری ایشان مطالعات متعددی مقاله‌ی مذکور را مورد ارجاع قرار داده‌اند.^۲ همچنین در ارتباط با موضوع بحث حاضر، جبلونوفسکی(۲۰۰۲) و جبلونوفسکی و کلیت^۳ و(۲۰۱۱) و(۲۰۰۶)، تصمیم ادغام عمودی شرکت‌های نفتی نسبت به فعالیت‌های حفاری خلیج مکزیک را در چارچوب اقتصاد هزینه‌ی مبادله مورد آزمون قرار دادند. کورتس و سینگ(۲۰۰۴)^۴ نیز اثر تعامل تکراری بر انتخاب قرارداد در صنعت حفاری دریا^۵ واقع در خلیج مکزیک را مورد بحث قرار داده‌اند.^۶ همچنین سایر منابع کتاب در فصول آینده مورد اشاره قرار گرفته‌اند که به جهت رعایت اختصار در جای خود بدان اشاره خواهیم داشت.

۱-۴. گذری بر فصول کتاب

به جهت پوشش مباحث فوق، مطالب کتاب در هشت فصل تنظیم یافته است. اما نظر به موارد مطروحه در قبل، ارائه‌ی مبحث اصلی نیازمند ارائه‌ی پیش‌نیازهایی بوده که در

1. Masten, Meehan and Snyder

2. بر مبنای ارجاعات موجود در ISI.

3. Jablonowski & Kleit

4. Corts & Singh

5. Offshore Drilling

6. اطلاع از وجود این دو مقاله را مایلیون پروفسور اسکات مستن هستم.

فصول یک تا شش این پیش‌نیازها برای فصل اصلی یعنی فصل هفتم ارائه گردیده است. فصل اول که کلیاتی پیرامون موضوع بود در اینجا ارائه شد. در فصل دوم کتاب، ادبیات اقتصاد هزینه‌ی مبادله از زوایای گوناگون به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در ادامه‌ی فصل مذکور نیز مفهوم چالش برانگیز "هزینه‌ی مبادله" بررسی شده است.

تقسیم‌بندی یا دسته‌بندی یکی از شیوه‌های علمی برای شناخت بهتر امور است لذا فصل سوم کتاب در صدد است تا انبوی قراردادهای پیمانکاری صنعتی را از زاویه دید ساخت یا خرید تقسیم‌بندی نماید. ارائه‌ی این فصل از محدود پژوهش‌های اقتصاد پیمانکاری است و می‌توان آن را به عنوان پیش درآمدی بر موضوع مهم اقتصاد پیمانکاری و نظام پیمانکاری به شمار آورد. با توجه به اینکه پیمانکاری سهم بزرگی در اقتصاد هر کشوری از جمله ایران دارد اما در اینجا نیز جای بسی شگفتی است که چرا محققین اقتصادی کمتر به بررسی وضعیت پیمانکاری در ایران می‌پردازند؟ این موضوع را می‌توان تا حدود زیادی به ماهیت غیر بومی دروس علم اقتصاد متسب نمود.

فصل چهارم اختصاص به مباحث تاریخی دارد که عمدۀ مباحث این فصل را تاریخ تخصصی قراردادهای نفتی تشکیل می‌دهند. پرداختن به تاریخ و دانستن آن در حد اعلای اهمیت است. چرا که با مرور وقایع تاریخی می‌توان از وقوع مکرر اشتباهات اجتناب نمود و از وقایع تاریخی نیز درس آموخت. بدون شک بسیاری از مشکلات کنونی ایران و همچنین صنعت نفت کشور ناشی از جهل تاریخی است. محقق با صداقت اظهار می‌دارد که در بررسی موضوع پژوهش حاضر بیشترین آموخته‌هایش از مباحث تاریخی بوده است. در راستای نگارش یک متن قابل قبول تاریخی سعی شده که منابع فصل چهارم از منابع معتبر باشند و لذا عمدتاً با استفاده از منابع موجود در کتابخانه‌ی مرکزی شرکت ملی نفت ایران این فصل تنظیم یافته است.

فصل پنجم کتاب پیرامون ماهیت قراردادهای بیع متقابل در شرکت ملی نفت ایران است. در این فصل پس از ذکر مختصر توضیحاتی پیرامون فعالیت‌های صنعت نفت و ذکر تعاریف، خلاصه مباحث قراردادهای بیع متقابل منعقده در شرکت ملی نفت ایران طی سال‌های ۱۳۷۴-۹۰ با استفاده از اسناد ارائه و ساختار سه نسل از قراردادهای بیع متقابل بررسی گردیده است. فصل ششم پیشنهادی پیرامون ساختار اساسنامه‌ی بهینه‌ی شرکت ملی نفت ایران ارائه داده است. با توجه به مطالب این فصل چشم‌انداز

ساختار سازماندهی کارآمد صنعت نفت کشور تا حدودی مشخص می‌شود. البته مطالب مذکور در این فصل نظرات نویسنده است، به این امید که توسط سایر محققین تکمیل گردد. در پیوست این فصل نیز فهرستی از مطالعات پیشنهادی در حوزه‌ی اقتصاد انرژی ارائه شده است.

تا بدینجا، مباحث، بیشتر پیش‌نیازی برای بررسی موضوع اصلی تحقیق در فصل هفتم بوده است. لذا پس از این در فصل هفتم مطالب اصلی پیرامون الگوی تحقیق ارائه شده است. در این فصل خلاصه مطالبی پیرامون رویکرد اقتصاد هزینه‌ی مبادله برای تحلیل نیز آمده است و سپس الگوی ساختار سازماندهی و توابع هزینه‌ی مبادلاتی درونی و بازاری شرکت ملی نفت ایران برآورد گردیده است. فصل هشتم کتاب نیز به خلاصه و نتیجه‌گیری مطالب اختصاص یافته است.

با توجه به مسائل متعدد صنعت نفت ایران می‌توان چنین استنباط نمود که آگاهی عوام و خواص نسبت به مسائل صنعت نفت عمدتاً در سطح مطلوب نیست و دیگر اینکه طبق نظریات اقتصادی نوین همچون نظریه‌ی اقتصاد هزینه‌ی مبادله، بنگاه یک ساختار سازماندهی به حساب می‌آید. لذا می‌توان بیان داشت که نیل به سازماندهی کارآمد بنگاه به مراتب بر رعایت مسائلی همچون نظارت اولویت دارد. بنابراین بهتر است سیاست‌گذاران کشور کمتر نگران مسئله‌ی نظارت بر شرکت ملی نفت ایران بوده و در عوض بر ایجاد زیرساخت‌های مولد ارتقای کارآمدی سازمانی در شرکت ملی نفت ایران متمرکز شوند چرا که امروزه در شرکت‌های نفتی و سایر نهادها آن چیزی که ارزش‌آفرین است ساختار سازماندهی کارآمد است تا صرف در اختیار داشتن منابع هیدرولیکی. لذا از این منظر نیز توجه به کارآمدی درونی شرکت ملی نفت ایران نیز لازم و ضروری است. به هر تقدیر امید که اندک تلاش حاضر بتواند راهگشای تحقیقات بعدی توسط محققین گرامی باشد.

جایگاه، مبانی و کاربردهای اقتصاد هزینه‌ی مبادله

۱-۲. مقدمه

نهادگرایی در کلیت خود رویکردی میانرشته‌ای برای تبیین پدیده‌هاست چرا که نهادگرایی در علوم مختلفی همچون جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، علوم اقتصادی و... برای تبیین پدیده‌ها، کاربردی فراوان یافته است. در این نوشتار برآنیم از منظر اقتصاد هزینه‌ی مبادله که یکی از زیر مجموعه‌های اقتصاد نهادگرای جدید به‌شمار می‌رود به بررسی موضوع تحقیق مبادرت نماییم. برای نیل به این مهم در این فصل ابتدا شناخت مختصری از نهاد و اقتصاد نهادگرای جدید ارائه شده و سپس در این میان جایگاه اقتصاد هزینه‌ی مبادله تبیین می‌شود و در انتها نیز مفهوم هزینه‌ی مبادله بیان گردیده است.

۱-۱-۲. نهاد

نهادها آداب انجام امور هستند. طبعاً برای اجرای هر امری، انجام آداب^۱ خاص آن مورد نیاز است که ممکن است این آداب برای انجام امر ذیربط فزونی، تقصان یا تناسب داشته باشند اما آنچه که مهم است اهمیت وجود آداب است. همچنین نهادها از دیدگاه‌های مختلف و به لحاظ قضاوت ارزشی می‌توانند دارای ارزش مثبت یا منفی باشند. مفاهیمی همچون نهاد^۲، نهادگرایی، نهادی شدن و... از جمله مفاهیمی هستند که

۱. مفهوم آداب در این زمینه بسیار وسیع است و به نوعی تمام دلالت‌های عرفی، شرعی، قوانین، مقررات، و... را در بر می‌گیرد.

2. Institution

درک چیستی آنها نیاز به تعمق و مطالعه‌ی بسیار دارد که در این راستا می‌توان آفت تفکر نهادی را سطحی‌نگری نامید. مفهوم نهاد در رشته‌های متنوع علوم انسانی از قبیل جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، مدیریت، روان‌شناسی و... کاربرد داشته و حتی مرزهای آن وارد سایر رشته‌های غیر علوم انسانی نیز شده است. در این بین قدمت نهاد در جامعه‌شناسی بیشتر از سایر علوم است. مفهوم نهاد را می‌توان به نخ و سوزنی تشبيه نمود که زمینه‌های مختلف علوم انسانی و حتی غیرعلوم انسانی را با یکدیگر پیوند داده است. همچنین قلی‌پور (۱۳۸۴ ص ۱۴) مراد از نهاد را موجودیت عینی بیرونی و ذهنیت درونی عنوان نموده است.^۱ نورث (۱۳۸۵ ص ۱۹) نیز چنین می‌نویسد: «نهادها قوانین (قواعد) بازی در جامعه‌اند، یا به عبارتی سنجیده‌تر قیودی هستند وضع شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگر را شکل می‌دهند. در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، چه این مبادلات سیاسی باشند چه اقتصادی و چه اجتماعی. تغییرات نهادی مسیر تحول جوامع بشری در طول تاریخ را مشخص می‌کنند و بنابراین کلید فهم تغییرات تاریخی محسوب می‌شوند. اینکه نهادها بر عملکرد اقتصادی تأثیر می‌گذارند چنان جدال برانگیز نیست و همگان کمابیش آن را پذیرفته‌اند. این نکته نیز چنان محل منازعه نیست که عملکرد متفاوت اقتصادها در طول زمان اساساً متأثر از تغییر و تحول نهادهای است». لذا نورث جزو اقتصاددانان نهادگرایی است که نهاد را به منزله‌ی "قواعد بازی" در نظر می‌گیرد و این در حالیست که گروه دیگری از اقتصاددانان نهادها را به عنوان "استراتژی‌های تعادل بازیگران یک بازی" در نظر می‌گیرند. می‌توان گفت که دسته‌ی اول نهادها را آگاهانه و طراحی شده می‌دانند در حالی که گروه دوم نهادها را به صورت خودجوش در نظر می‌گیرند.^۲

۱. منبع مذکور مفاهیم مرتبط با نهاد و نهادگرایی در رشته‌های مختلف را بیان نموده است. از این حیث منبعی مفید برای آشنایی با موضوع به حساب می‌آید.

۲. برگرفته از قلی‌پور (۱۳۸۴)، صص ۸۰ و ۸۱ توجه داشته باشید که بحث پیرامون نهاد و مكتب نهادگرایی بسیار بیش از بضاعت این نوشتار است لذا از آنجا که مبنای تحقیق بر توضیح اجمالی وقایع استوار است لذا علاوه‌نمایان جهت مطالعه‌ی بیشتر می‌توانند به منابع کتاب و یا سایر کتب و مقالات معتبر مرتبط مراجعه نمایند.

۲-۱-۲. اقتصاد نهادگرای جدید

مفروضات مکتب نئوکلاسیک مشتمل بر مواردی چون حداکثرسازی مطلوبیت توأم با انتخاب عقلایی کنشگران^۱، صفر بودن هزینه‌های مبادلاتی، مشخص بودن حقوق مالکیت در بازارهای رقابتی، مشخص و ثابت بودن ترجیحات، تعادلی بودن پیامدها، داوطلبانه بودن مبادلات و... است. نهادگرایان قدیم^۲ همچون وبلن، کامونز، میچل و... بر سنت نئوکلاسیک انتقاد و عقیده داشتند طرز برخورده مکتب اقتصاد نئوکلاسیک روش مناسبی برای تبیین پدیده‌های اقتصادی نیست. برای مثال آنها اعتقاد داشتند که «این نهادها هستند که اقتصاد را سامان می‌دهند و نه قوانین اقتصادی»^۳ و همچنین «بر خلاف اکثر مکاتب اقتصادی که به وجود هماهنگی در منافع افراد جامعه معتقدند، مکتب نهادی به وجود تضاد در منافع معتقد است»^۴. از یک منظر اقتصاد نهادگرای قدیم و اقتصاد نئوکلاسیک را نیز می‌توان دو طیف حدی تحلیل‌های اقتصادی به حساب آورد. مفروضات مکتب نئوکلاسیک نیز مشتمل بر مواردی چون حداکثرسازی مطلوبیت توأم با انتخاب عقلایی کنشگران^۵، صفر بودن هزینه‌های مبادلاتی، مشخص بودن حقوق مالکیت در بازارهای رقابتی، مشخص و ثابت بودن ترجیحات، تعادلی بودن پیامدها، داوطلبانه بودن مبادلات و... است.^۶

به هر تقدیر در تاریخ عقاید اقتصادی و طی دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ مکتب نئوکلاسیک به تدریج توانست بر اقتصاد نهادگرای قدیم چیره گردد و از دهه ۱۹۴۰ به بعد خود را به عنوان مکتب مسلط اقتصاد معرفی نماید. افول اقتصاد نهادگرای قدیم پس از جنگ جهانی دوم مسیر را برای یکه‌تازی اقتصاد نئوکلاسیک هموار ساخت که این

۱. فرض عقلانیت کامل یا ابزاری.

۲. فصلنامه علمی تخصصی تکابو(۱۳۸۴)، شماره ۱۱ و ۱۲ و همچنین فصلنامه علمی تخصصی چشم اندازهای دانش اقتصاد(۱۳۸۷)، شماره‌های ۲ و ۳ مقالات مفیدی در ارتباط با روش‌شناسی اقتصاد نهادگرای قدیم و جدید را ارائه نموده‌اند.

۳. دادگر(۱۳۸۴)، ص ۵۹.

۴. قلی‌پور(۱۳۸۴)، ص ۵۲.

۵. فرض عقلانیت کامل یا ابزاری.

۶. دقت کنید که نمی‌توان گفت اقتصاد نئوکلاسیک به نهاد اعتقدای ندارد چرا که در تعریف گسترده، نهاد آداب انجام امور است. لذا مثلاً حداکثرسازی نیز آداب، قواعد یا ابزار انجام انتخاب است. لذا در این سیاق انتقاد نهادگرایی قدیم بر سنت نئوکلاسیک بیشتر به نوع برخورد و رهیافت تحلیل بر می‌گردد نه نفی مطلق نهاد.